

با تو حال من خوبه

به عنوان خلبانی که ۳۵ سال سابقه پروازی دارم... نه! حالا یکی به چیزی گفت که فعلا بهش کار نداریم. طرف خلبان بوده. می تونسته این رو بگه که همه چشم بسته قبول کنیم. ولی به عنوان یه طنزنویس کم رنگ. کم گو. زیاد پهن. اون گوشه موشه ها. لای این شب بوها. پای آن کاج بلند. کسی واسه ما تره خرد نمی کنه! اصلا سابقه رونگیم آقا تریم. همین جوری بدون سابقه خدمتتون می گم که ۱۵ سال انتشار روزنامه... دقت کردین؟ روزنامه ها! نه مثل این «پلخمون» ما هفته نامه. اون هم با کیفیتی که امروز دارین می بینین. کاریه کارستون. دم همه بچه هایی که برای «روزنامه مردم مشهد» زحمت می کشن. گرم. درسته توی این گرونی وسع جیمون به آجیل مشکل گشا نمی رسه. ولی خوبه که بدون آجیل هم مشکل گشا باشیم. حالا با توی انعکاس اخبار شهر. یا توی جامعه. اگه این هم نشد. دست کم حال خوب کن باشیم دیگه. خرج که نداره. هنوز هم بهش مالیات نیستن! حتما دیدین که توی همین سیل اخیر مشهد یه ویدئو منتشر شد از معلمی که بی سروصدا بچه ها رو از دم در مدرسه بغل کرد و از توی آب بردشون سر کوچه. لازم هم نبود مثل بعضی مسئولان (توی کشورای دیگه!) جلو دوربین پاچه و ریماله و بیره وسط گل وشل که آهااای بیاین بینین من چقدر خاکی ام!

حتی پلیس هم که باشین. باز هم می تونین حال خوب کن باشین! مثل ویدئوی اون سروان نیروی انتظامی که کلاهش رو گذاشته بود روی داشبورد ماشینی که شیشه ش باز مونده بود. تا کسی جرئت دزدی از اون ماشین رو نکنه. از صدا تا دزدگیر تصویری و ماهواره ای بهتر! اصلا این جوری با تو حال من خوبه.



صفحه ۲
۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳
شماره ۱۰۶

مشه ای جور بره؟!

مهدی محمدی



کتابی که عنوانش تکذیب شما

اردیبهشت ۱۴۰۳: صادق زیبا کلام. نویسنده کتاب «چرا شما را نمی گیرند»، را گرفتند.

تیر ۱۴۰۳: خبرهای موثق حاکی از آن است که امروز به شخصیت مریم که در فیلم «مزامعت»، ساخته ایرج ملکی، بازیگر بود. گیر داده اند. گفتنی است شخصیت دیگر همین فیلم سال ها پیش از او پرسیده بود که: «چطور به تو گیر ندادن؟»

مرداد ۱۴۰۳: وزیر کار در یک مصاحبه تلویزیونی زنده درباره افزایش امنیت شغلی و همچنین زیاد شدن فرصت های شغلی سخن گفت. گفتنی است در همان لحظه ای که صحبت هایش به آنجا رسید که خطر بیکاری هیچ شاغلی را تهدید نمی کند. از طرف رئیس جمهور برکنار و بدین ترتیب بیکار شد.

شهریور ۱۴۰۳: بررسی قبرستانی که نویسنده کتاب «چگونه صد سال عمر کنیم» در آنجا دفن شده است. نشان داد که وی از همه کسانی که در آنجا به خاک سپرده شده اند. کم سن و سال تر بوده است.

مهر ۱۴۰۳: سامان گلرین، مدرس معروف آشپزی و نویسنده کتاب «آشپزی روز» به بخش سوختگی یک بیمارستان منتقل شد. گفتنی است وی در حال درست کردن یک آب دوغ خیار ساده بوده که معلوم نیست چه کار کرده که دچار سوختگی درجه یک شده است.

آذر ۱۴۰۳: نویسنده کتاب «بیابید با طبیعت آشتی کنیم» به دلیل آتش زدن جنگل، شکار چند حیوان کمیاب و در معرض انقراض و قطع چند درخت چند صد ساله بازداشت شد. گفتنی است در حالی که دستان وی دستبند زده شده داشت به طبیعت بدوبیرا می گفت و داد می زد: دیگه باهات دوست نیستم طبیعت و قهر قهر تا روز قیامت.

هتل داریم چه هتل!

اردیبهشت ۱۴۰۳: معاون وزیر دادگستری: زندانی های خارجی می گفتند زندان های شما هتل است.

تیر ۱۴۰۳: بررسی های آماری نشان می دهد یکی از علل تکرار جرم توسط خارجی ها در ایران این است که می گویند آب خنکی که اینجا در زندان می خوریم. از آب خنک آب سردکن ها بسیار گوارا تر است.

مرداد ۱۴۰۳: معاونت امور زندان ها اعلام کرد بیشترین سوآلی که زندانیان خارجی از وکیلان تسخیری خود می پرسیدند. این بود که چگونه این شش ماه حبس مان را به حبس ابد تبدیل کنیم؟

مهر ۱۴۰۳: رئیس یک زندان گفت: با اینکه دیشب زندانبان ها خوابشان برده بود و یادشان هم رفته بود درها را قفل کنند. نه تنها زندانی ها کم نشدند. بلکه چند نفر هم زیاد شدند و برای تکرار نشدن این اتفاق به آن ها تذکر داده شد.

آبان ۱۴۰۳: برای اولین بار در تاریخ چند نفر به جای اینکه تونل بکنند تا از زندان فرار کنند. چند خارجی بیرون از زندان تونل کردند تا بتوانند وارد زندان شوند.

کُخ تو رُخ

منصوره احمدی

سفر رئیس جمهور به استان مازندران



۲ من به حلقه بادی از این اردک زردا برداشتم. کار جقتمون رو راه می ندازه قربان. نگران نباشین.

توی این هشدار نارنجی هواشناسی من نمی فهمم شمال اومدنمون چی بود؟ کاش به قایق بادی ای. تیوپی. چیزی می داشتیم توی چمدون. آب نبردمون

حضور سخنگوی دولت در سی و پنجمین نمایشگاه کتاب تهران



۲ اون که نه. ولی راز موفقیت آنتونی رابینز داریم قربان. بذارم؟

۱ کتاب تو مایه های گام به گام برای کاهش تورم چهل درصدی اینام چیزی دارین؟

گرامیداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی با حضور برخی مسئولان در توس



۱ الایا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها... خداوند رحمت کنه. چه شاعر بزرگی بود! من همه شعرهاش رو از حفظم.

البته این شعر شیخ اجل سعدیه قربان.

۳ بسی رنج بردم در این سال سی که اینا بیان سر مزار من حافظ بخونن

نشست خبری فدراسیون وزنه برداری

خبر: سالار عقیلی در فدراسیون کلف پست گرفت



دوستان جمع و جوتر بشینین. هر لحظه ممکنه به یه علیرضا قربانی ای. محمد اصفهانی ای چیزی هم توی فدراسیون ما پست بدن.